

## از «سواران دشت امید» تا «نی‌نوا»

گفتگوی عباس سجادی با حسین علیزاده

\* همان‌طور که مطلع هستید درباره بعضی آثار موسیقی، داستان‌ها و روایت‌هایی وجود دارد. در این میان «نی‌نوا» هم یکی از آثار ماندگار و تاریخی شما است که روایت‌های بسیاری درباره پیدایش و خاستگاه هنری آن مطرح است. تا امروز هیچ‌گاه فرصت دست نداده که از شما (به عنوان پدید آورنده اثر) پرسشی مطرح شود. حالا این فرصت را غنیمت شمردم در این باره بپرسم. «نی‌نوا» از کجا شروع شد؟

بد نیست صحبت را از جایی شروع کنم که اگرچه به بحث ما ربط چندانی ندارد اما می‌تواند مکمل آن باشد. اسم شما عباس سجادی است اما واقعیت این است که همین امروز عباس سجادی نشده‌اید؛ از وقتی به دنیا آمده‌اید، روز به روز براساس هر اتفاق و واکنشی که در زندگی شخصی و اجتماعی‌تان رخ داده، شخصیتتان شکل گرفته و شما را با این آگاهی و این مشخصه ساخته و به آن معنا بخشیده است. یادم هست یک بار به عباس کیارستمی گفتم به نظرم همه هنرمندان در دوران زندگی هنری خود یک اثر می‌آفرینند و آن را در طول تاریخ به شکل‌های گوناگون عرضه می‌کنند. نمونه‌اش فیلم‌های خود کیارستمی است.

\* یعنی معتقدید کارشان را تکرار می‌کنند؟

نه. مثل این است که شما به موضوعاتی فکر می‌کنید و این فکر مدام در سنین مختلف بالغ شده و به یک اثر هنری تبدیل می‌شود؛ اثری که خواه ناخواه مشخصه‌های آثار قبلی‌تان را هم دارد. مثال دیگر پیکاسو است. او در سنین مختلف دوره‌ها و حکایت‌های متفاوت دارد اما جوهره‌ی آنها یکی است.

بنابراین من یا هر هنرمند دیگری انسان‌های ثابتی هستیم که زندگی را با هنرمان تعریف می‌کنیم. به همین دلیل وقتی آثار هنرمندان را مرور می‌کنید، به تاریخ زندگی آنها نیز پی می‌برید. به نظر من موسیقی‌ای که روایتگر زمانه است، ماندگار می‌شود. البته موسیقی‌های دیگری هم داریم که سرگرمی است و فقط مصرف روزانه دارد. همه ما از موسیقی سرگرم‌کننده استفاده می‌کنیم. طبیعی هم هست وقتی با دوستانتان دور هم جمع می‌شوید همیشه که درباره هگل صحبت نمی‌کنید، گاهی جوک هم می‌گویید؛ به نظر من این کار نیز یک هنر است. کسی که فیلم کم‌دی می‌سازد، لزوماً فیلم هجو نساخته، چنانکه در تاریخ سینمای جهان هم نمونه‌های شاخصی از فیلم‌های کم‌دی داریم که درام‌های برجسته‌ای هستند.

پس وقتی از من پرسیده می‌شود که چطور فلان اثر را ساختی؟ همیشه سلسله اتفاقات و رویدادهایی به ذهنم خطور می‌کند که در زندگی‌ام رخ داده‌اند. درست است که من «نی‌نوا» را در سال ۶۲ ساختم اما به آن معنا نیست که از آن سال تا به امروز زندگی‌ام چیز دیگری برای روایت کردن نداشته است. متأسفانه برخی افراد دید محدودی دارند و فقط به یک اثر هنرمند بها می‌دهند مثلاً وقتی اسم محمود دولت‌آبادی می‌آید همه فی‌الفور می‌گویند «کلیدر».

**Shiraz-Beethoven.ir**

\* پس دیگر آثار چه می‌شوند؟

من می‌دانم که او همه این آثار را زندگی کرده و معتقدم نویسندگان، قهرمانان قصه‌های خودشان هستند. برای من هم تمامی قطع‌اتم عزیزند چون همه روزهایی که زندگی کرده‌ام برایم عزیز بوده‌اند و هیچ روزی نداشتم که بدون قصه از سر گذشته باشد. اتفاقاً فراز و نشیب‌های زیادی داشتم که امروز (که اینجا نشسته‌ام) از همه آنها پُرم و خوشحالم که آنها را با زبان موسیقی روایت کرده‌ام.

در آن دوران من جوانی بودم که از هنرستان موسیقی فارغ‌التحصیل شده و سرشار از عشق و طلب هنر بود. رفتن به هنرستان موسیقی اگرچه برای پدر و مادرم دشوار بود اما آنها مانع کارم نشدند. من نه خانواده‌ای با تحصیلات آنچنانی داشتم و نه نسل اندر نسل‌ام هنرمند بودند. جالب است که خانواده‌های اصل و نسب‌دار هنری را می‌شناسم که

مانع تحصیل فرزندانشان در رشته‌های هنری می‌شوند. اما وقتی این فکر در خانواده‌ام مطرح شد، نمی‌دانید آنها با امکانات حداقلی که داشتند، چطور من را حمایت کردند. همین حمایت در وجودم عشقی کاشت که تسخیرم کرد.

**\* یعنی در واقع موسیقی شما را به سمت خود کشاند؟**

من همیشه گفته‌ام که موسیقی به من شجاعت داد. خیلی جاها از خودم شجاعت به خرج دادم و این کار با موسیقی میسر شد. از روزی که وجود من با اولین نت مرتعش شد، حتی از صدای ناکوک سازم هم به وجد می‌آمدم.

**\* یعنی گمشده خود را در آن پیدا کردید...**

البته هنوز هم آن گم‌شده را پیدا نکرده‌ام و هیچ‌گاه هم پیدا نخواهم کرد. یعنی تبدیل به مجنونی شدم که همواره در حال جستجو است.

**\* کما اینکه می‌گویند اوج فواره سقوط آن است؛ یعنی رسیدن به نهایت تازه آغاز راه است...**

وقتی هر اثری می‌سازید، جستجویی در درون آن نهفته است. موسیقی و هنر، روح انسان را شکل و صیقل می‌دهد. من وقتی مقابل استاد شهنازی می‌نشستم، احساس می‌کردم که نور از او عبور می‌کند. شیفته‌اش بودم اما در عین حال در دم می‌گفتم ای کاش من شهنازی نشوم.

**\* چرا؟**

همه آرزو داشتند مثل او باشند اما من می‌خواستم کسی مثل شهنازی که به من نیرو و انرژی می‌داد، کمک کند تا خودم را پیدا کنم. می‌خواستم مقلد دوره‌های قبلی‌ام نباشم اما عاشقانه اساتید قبل از خودم را دوست داشتم و دارم. این مقدمه طولانی را گفتم تا بدانید همیشه خمیره‌ای که در انسان به وجود می‌آید، عقبه‌ای هم دارد که آثار هنری از آنجا شکل می‌گیرند.

درباره «نی‌نوا» هم اگر تاریخ را ورق بزنیم به چند سال قبل از ساخت آن می‌رسیم. وقتی من در مرکز حفظ و اشاعه بودم مدتی فقط کارمان بازسازی آثار اساتید گذشته با مدیریت استاد نورعلی برومند بود. یعنی ما حتی یک مضرب هم از خودمان نمی‌نواختیم. حتی تحریرهایی که آقای شجریان در کنسرت‌های آن زمان اجرا می‌کرد هیچ کدام را خودش ابداع نکرده بود.

## Shiraz-Beethoven.ir

**\* در اصل یک جور مشق بود زیر نظر اساتید...**

مشق بود ولی برومند تشخیص داده بود که این مشق و بازسازی را نوازنده‌های جوان می‌توانند انجام دهند و به همین دلیل هم با ما چه جملات آوازی و چه ضربی‌ها را کار می‌کرد. ما مسئولیت بازاجرای آثار گذشتگان را داشتیم اما بعضی افراد کم‌کم در همان قالب ماندند و ترجیح دادند همان سنت‌ها را ادامه دهند. البته این موسیقی دنیای معنوی خاص خودش را هم دارد که از دل تاریخ می‌آید. تاریخ برای من هم مهم است؛ جالب است بدانید هنوز چرخ خیاطی پدرم در خانه من هست و وقتی به آن دست می‌زنم حس خوبی می‌گیرم و یاد خاطرات او می‌افتم اما می‌دانم که آن چرخ دیگر کار نمی‌کند.

در آن دوران وقتی می‌خواستم چیزی را توصیف کنم با خودم فکر می‌کردم آیا باید باز هم همان پیش‌درآمد درویش خان را بنوازیم؟ طبیعی است که آنها را هم اجرا می‌کردم. به هر حال این موضوع رفته رفته قالبی را در مرکز به وجود آورد که من در آن نمی‌گنجیدم. من به همان اصالت‌ها وفادار بودم اما فکری‌هایی هم در ذهنم می‌گذشت. یکی از اولین ایده‌هایم (در سن ۲۲-۲۱ سالگی) این بود که جسارت به خرج دهم و ردیف ماهور را در «جشن هنر شیراز» در قالب برنامه‌ای بدون خواننده اجرا کنم چون معتقد بوده و هستم که موسیقی در کشورهای توسعه یافته متکی به شعر و ترانه است. اگر در تاریخ موسیقی غرب دقیق شوید، می‌بینید مردم به فرهنگی رسیده‌اند که موسیقی را با واسطه (کلام) گوش می‌کنند. درست است که موسیقی فولکلور در همه جای دنیا با ترانه همراه است ولی وقتی موسیقی از کلام مستقل می‌شود، ذهن شنونده با گستره

وسیع‌تری مواجه می‌شود.

« نیلوا »

Shiraz-Beethoven.ir

$\text{♩} = 40$

Handwritten musical score for the first system, consisting of five staves. The music is written in a key signature of two flats (B-flat and E-flat) and a 4/4 time signature. The first staff begins with a treble clef and a dynamic marking of *p*. The second staff also starts with a treble clef and a dynamic marking of *p*. The third staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *mf*. The fourth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *p*. The fifth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *p*. The system concludes with a double bar line.

Handwritten musical score for the second system, consisting of five staves. The music continues from the first system. The first staff uses a treble clef and has a dynamic marking of *p*. The second staff uses a treble clef and has a dynamic marking of *p*. The third staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *p*. The fourth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *f*. The fifth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *f*. The system concludes with a double bar line.

Handwritten musical score for the third system, consisting of five staves. The music continues from the second system. The first staff uses a treble clef and has a dynamic marking of *f*. The second staff uses a treble clef and has a dynamic marking of *p*. The third staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *p*. The fourth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *f*. The fifth staff uses a bass clef and has a dynamic marking of *p*. The system concludes with a double bar line.

Solo *rit*

Fl. *f*

V. I. *p*

V. II. *p*

V. *p*

C. *p*

Cb. *p*

Fl. *f*

V. I. *p*

V. II. *p*

V. *p*

C. *p*

Cb. *p*

Trem

Trem

Trem

Trem

35

B

Handwritten musical score for measures 35-38. The score consists of five staves. The top staff is the melody, starting with a treble clef and a 3/4 time signature. It features a series of eighth notes and quarter notes, with some slurs and accents. The bottom four staves are accompaniment, with various clefs and time signatures. The music is written in a cursive, handwritten style.

39 ♩ = 76

Handwritten musical score for measures 39-42. The score consists of five staves. The top staff is the melody, starting with a treble clef and a 3/4 time signature. It features a series of eighth notes and quarter notes, with some slurs and accents. The bottom four staves are accompaniment, with various clefs and time signatures. The music is written in a cursive, handwritten style. There are markings for 'Pizz' (pizzicato) and 'mf' (mezzo-forte) in the bottom staff. The notation includes slurs, accents, and dynamic markings.